

A



کاش می‌شد که بیایی غروب‌ها با همه خوبی‌هایش چه قدر بی‌تو دلگیر است. انتظار از لحظه‌لحظه آن به شمام می‌رسد بغض و اندوه و بوی تنهایی از لحظه‌لحظه زمانش پیداست. کاش دیوارهای انتظار بلند نبود کاش ابرها کنار می‌رفتند و دل شب شکسته می‌شد و ما شاهد رؤیت خورشید بودیم. آقای خوبم آدینه اگر نبود به کدام بهانه پلی به سمت آسمان آبی‌ات می‌زدیم. ندبه اگر نبود به شوق کدام نچوا از بستر راحت بلند می‌شدیم به کدام امید این دل‌های منتظر دست به دعا برمی‌داشتند و تعجیل در فرجت را تمنا می‌کردند.

افشین علاء